

ادامه از صفحه ۲

برجام برای برداشتن تحریم بود که برداشته نشد

● مقام معظم رهبری، جلوگیری از فساد داخلی را از مهم‌ترین مسائل برشمردند و افزودند: «مسئولان، الحمدلله صریحا اعلام کرده‌اند که جلوی حقوق‌های گراف و زیادخوری‌ها را می‌گیرند و در برخی بخش‌ها هم اقداماتی شده است که باید گسترش یابد و دنبال شود». ایشان مسئولان را در رفتار و گفتار به صذیت و مقابله با اشرافی‌گری فراخواندند و افزودند: «وقتی اشرافی‌گری در قله‌های جامعه به وجود آمد، سرریز آن به بدنه مردم هم کشیده می‌شود، بنابراین باید با فرهنگ اشرافی‌گری کاملاً مقابله کرد». حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به سال «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» افزودند: «البته کارهایی شده است اما باید نتیجه این کارها، برای مردم محسوس و ملموس باشد». مقام معظم رهبری در ادامه به مسائل و شرایط پرغوای امروز منطقه پرداختند و در تحلیلی کلان خاطرنشان کردند: «در این مسائل نیز پای آمریکا در میان است». حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، علنی‌کردن ارتباطات دولت سعودی با رژیم صهیونیستی را خنجری بر پشت امت اسلامی خواندند و افزودند: «این کار سعودی‌ها گناه و خیانتی بزرگ است اما در این غلط بزرگ نیز آمریکایی‌ها نقش دارند، زیرا دولت سعودی تابع و مسخر و چشم‌به‌دهان دولت آمریکاست».ایشان، تجاوز به یمن، بمباران یی‌وقفه «خانه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس» و کودک‌کشی مستمر را جرم بزرگ دیگر دولت سعودی برشمردند و گفتند: «این جنایت نیز با تسلیحات آمریکایی و سلاح جاز آنها صورت می‌گیرد».مقام معظم رهبری افزودند: «متأسفانه حتی وقتی سازمان ملل پس از مدت‌ها قصد محکوم‌کردن این جنایت‌ها را دارد، با پول، تهدید و فشار، دهان آن را می‌بندند».ایشان خاطرنشان کردند: «دبیرکل روسیه سازمان ملل به این فشارها اعتراف کرد، اما باید به جای اعتراف کنار می‌رفت. نه آنکه بماند و به بشریت خیانت کند». حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، قضیه بحرین و ورود لشکر نظامی ییکانه برای اعمال فشار بر مردم این کشور را نمونه دیگری از اقدامات مورد حمایت آمریکا خواندند و تاکید کردند: «امروز دولت سعودی در دست افراد نابخرد است اما تحلیل دقیق مسائل نشان می‌دهد که دست آمریکا در تمام این قضایا وجود دارد».ایشان همچنین به نقش آمریکایی‌ها در ایجاد و تقویت گروه‌های تکفیری با هدف اختلاف‌افکنی در امت اسلامی، ترویج «اسلام اموی و مروانی» و بدنام‌کردن «اسلام حقیقی» اشاره کردند و افزودند: «آمریکایی‌ها ادعا می‌کنند که علیه گروه‌های تکفیری ائتلاف تشکیل داده‌اند، درحالی‌که کار مؤثری علیه آنها انجام نمی‌دهند و طبق برخی گزارش‌ها به این گروه‌ها کمک‌های نیز می‌کنند».مقام معظم رهبری خاطرنشان کردند: «البته گروه‌های تکفیری امروز دامن حامیانشان را هم گرفته‌اند، زیرا به قول ما ایرانی‌ها، هر که باد بکارد، توفان درو خواهد کرد».حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در نوعی جمع‌بندی از این‌ بخش سخنانشان، آمریکا را به‌وجودآورنده یا تشدیدکننده مشکلات منطقه دانستند و تاکید کردند: «ملت‌های منطقه قادر به حل این مسائل هستند و ما ضمن دعوت دولت‌های منطقه، به آنها خاطرنشان می‌کنیم آمریکا قابل‌اعتماد نیست و به دولت‌های عرب به چشم ابزاری برای حفظ رژیم صهیونیستی و تحقق منافع استکباری خود در منطقه نگاه می‌کند».ایشان، راه‌حل مسائل منطقه را «اتحاد ملت‌ها و دولت‌های مسلمان» و «ایستادی در مقابل اهداف استکباری آمریکا و برخی دولت‌های اروپایی» خواندند و افزودند: «باید این اهداف را شناخت و در مقابل آنها ایستاد و ملت ما نیز در همین مسیر، محکم ایستاده است».مقام معظم رهبری تاکید کردند: «ما با وجود همه تلاش‌های آمریکایی‌ها نقشه‌ها و برنامه‌های آنها افشا شده و آمریکا در منطقه روزبه‌روز، رو به ضعف بیشتر است». حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دخالت و دشمنی آمریکا را منحصر به جمهوری اسلامی ایران ندانستند و افزودند: «در قضایای اخیر ترکیه اتهامی قوی وجود دارد که کودتا با تدبیر و تدارک آمریکایی‌ها انجام شده که اگر این مسئله ثابت شود، رسوایی بزرگی برای آمریکا خواهد بود».ایشان با اشاره به روابط خوب ترکیه با آمریکا به عنوان متحدی منطقه‌ای، خاطرنشان کردند: «آمریکایی‌ها با اسلام و گرایش اسلامی مخالف‌اند، بنابراین در ترکیه نیز که گرایش‌های اسلامی وجود دارد، کودتا به راه می‌اندازند».مقام معظم رهبری تاکید کردند: «البته این حرکت سرکوب، و آمریکا در چشم مردم ترکیه نیز منقور شد و آمریکایی‌ها در عراق، سوریه و نقاط دیگر نیز به همین شکل، رو به ضعف هستند».حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به وعده قطعی الهی در نصرت یاری‌رندگان این خدا افزودند: «اگر ملت ایران به این وعده قطعی خوش‌بین باشد و مقدمات آن را فراهم کند، همه مشکلات برطرف خواهد شد».ایشان در ابتدای سخنانشان با اشاره به نزدیک‌بودن ماه ذیقعد (یکی از چهار ماه حرام) افزودند: «تعبیر ماه حرام به معنای احترام بیشتری است که خداوند برای این ماه‌ها قائل شده و برخی کارها را در آنها حرام کرده است و به علت همین احترام الهی، باید در ماه‌های حرام، با توجه بیشتر به درگاه خداوند روی آورد و در کسب معنویت تلاش بیشتری کرد». در این دیدار قشربهای مختلفی از مردم استان‌های آذربایجان غربی- اردبیل، سیستان وبلوچستان، لرستان، کرمان و کرمانشاه حضور داشتند.

طاهره هادیان؛ انتصاب مرضیه افخم، به عنوان سخنگوی وزارت خارجه ایران، در سال ۱۳۹۲ از دید بی‌شکستی از ناظران و کارشناسان سیاست خارجی شکست‌آور و بی‌سابقه بود. انتصاب بعدی او به عنوان اولین سفیر زن ایرانی بعد از انقلاب نیز بازتاب‌دهنده فصل جدیدی از مشارکت زنان در سیاست خارجی است. به گفته منابع موق در این وزارتخانه، وزارت خارجه جمهوری اسلامی به‌زودی نزدیک بیشتری را در پست‌های دیپلماتیک عالی مانند سرکنسول، کنسول، مذاکره‌کننده ارشد، راین فرهنگی و سیاسی، نماینده ایران در ماموریت‌های سازمان ملل و سفیر به کار خواهد گرفت. در همین پیوند یک مقام رسمی که نتواست نامش فاش شود، از معرفی دو سفیر زن دیگر در آینده نزدیک خبر داده است. براساس گفته‌های همین مقام رسمی؛ «دولت روحانی و به‌ویژه وزیر خارجه کنونی، محمدجواد ظریف، به توانایی‌های زنان ایمان دارند و به‌دنبال به‌کارگیری زنان بیشتری در پست‌های عالی دیپلماتیک هستند». بنابراین وزارت خارجه سیاست‌های خود را در این حوزه از سال ۱۳۹۲ که روحانی بر سر کار آمد، بهبود بخشیده است. درحال‌حاضر صدها کارمند زن در بخش‌های مختلف وزارت خارجه مشغول به کار هستند که بسیاری از آنها پست‌های دولتی عالی‌رتبه‌ای دارند. دیپلمات‌های زن جوان و متخصص بسیار زیادی در بخش‌های سیاسی و دیپلماتیک در حال کار هستند. بسیاری از آنها در دیپلماتی عمومی، دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی فعالیت می‌کنند. علاوه‌براین، زنان دیپلمات در حوزه‌های حقوق بین‌الملل، حقوق بشر، موضوع خلع‌سلاح و مذاکرات عدم‌اشاعه، مشارکت دارند. به گفته این مقام رسمی «باید برای مشارکت بیشتر زنان در پست‌های تصمیم‌ساز تلاش بیشتری شود و درها برای زنان همواره باز باشد». او معتقد است «همین واقعیت که زنان در ایران در سطح گسترده‌ای تحصیلات عالی دارند و در حوزه‌های مختلف و حرفه‌های متعدد فعالیت می‌کنند، نشان

می‌دهد جایگاه زنان در ایران درخور توجه بوده است».این مقام هم چنین افزود؛ توجه به نقش حیاتی زنان در ابعاد مختلف در جامعه ایران به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی از سال ۱۳۷۳ (در هنگام تصدی وزارت خارجه ازسوی علی‌اکبر لایقی) شکل جدی‌تری به خود گرفت و فرصت‌های چشمگیری در وزارت خارجه به زنان شایسته که قابلیت‌های کارشناسی داشتند، داده شد. زنان جوانی که هم‌اکنون در وزارت خارجه مشغول به کار هستند، به این نکته اشاره می‌کنند که فضای وزارت خارجه غالباً مردانه است. یک کارشناس زن جوان شاغل در وزارت خارجه معتقد است: «زنان در مسائل امنیتی و مرزی یا کنترل مواد مخدر و مسائل مربوط به افغانستان، مشارکت داده نمی‌شوند. هم‌چنین به‌دلیل پروتکل‌های مربوط به شعائر اسلامی، به برخی ماموریت‌های خارجی برده نمی‌شوند. این مسئله باعث می‌شود در مقایسه با همکاران مرد خود کم‌تجربه‌تر باشند»؛ بنابراین زنان جوان کارشناس از آموزش مناسب برای بالارفتن از نردبان ترقی برخوردار نیستند.



مرضیه افخم اولین سفیر زن پس از پیروزی انقلاب است.عکس: امیر جمشید شوق

فرصت برای تربیت زنان دیپلمات مهیا نشد

شیرین هانتر که نخستین بانوی دیپلمات عالی‌رتبه ایرانی پیش از انقلاب اسلامی بوده و مأموریت‌هایی را در نمایندگی ایران نزد سازمان ملل (۱۹۶۶-۱۹۷۸ در لندن و ژنو) به انجام رسانده معتقد است که سیاست‌های ایران بعد از انقلاب اسلامی در جهت ارتقای حضور زنان در سیاست خارجی نبوده است. او اضافه می‌کند که افزایش حضور زنان در سیاست خارجی در گذشته اولویت سیاسی بوده که بعد از انقلاب این فرصت برای تربیت زنان دیپلمات مهیا نشد. شیرین هانتر همچنین می‌گوید بعد از موفقیت امتحان ورودی و کسب بالاترین نمرات در بخش اداری وزارت خارجه کار خود را آغاز کرده و به‌مرور با پشتکار و کسب شایستگی توانست نردبان ترقی را طی کند. هانتر معتقد است که «شایستگی و صلاحیت، عامل اصلی موفقیت او در آزمون ورودی وزارت خارجه و پس از آن در مسیر حرفه دیپلماتیک او بوده است». شیرین هانتر بزرگ‌ترین مانع را در مسیر حرفه‌ای خود به عنوان یک زن دیپلمات عالی‌رتبه، نه فضای مردانه وزارت خارجه در آن زمان، بلکه رقابت میان زنان کارمند در آنجا

خطر دلارهای نفتی

ما در عین کسب منافع فراوان از نفت، زیان‌ها و ضررهای بزرگی هم از آن دیده است؛ اما به‌یقین شعار تبلیغاتی «آوردن نفت سر سفره مردم» را می‌توان آغاز سیستماتیک فرایند تخریب اقتصاد و فرهنگ ملی به وسیله دلارهای نفتی دانست. این شعار و بعد از آن تخریب ساختار اداری وزارت نفت، توزیع سهم عدالت، خصوصی‌کردن صوری شرکت‌های دولتی، توزیع پارانها‌ها و دیگر کارهای ناروای دو دولت قبل برای تحقق آن، کشور ما را هم به‌نوعی قربانی دلارهای نفتی کرد. بایک زنجانی و طیف دیگری از همکاران پیدا و پنهان او، به‌نماد کارکرد دلارهای نفتی و طبقه نوظهور برآمده از آن تبدیل شدند. اگر دلارهای نفتی نبودند، چگونه به قول معادل اول رئیس‌جمهوری، فردی می‌توانست با بالاکشین دومیلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار، به اندازه چهار مرکز پتروشیمی شیراز از کشور ببرد؟ یا ۲۲ میلیارد دلار، از بی‌سروصدا از کشور خارج شود یا معلوم نباشد که ۱۱۸میلیارد دلار درآمد نفتی کشور در سال ۱۳۹۰ چگونه خرج شده است. در نتیجه اینها و موارد دیگری از این نوع، فساد مانند خوره و یک بیماری ساختاری به جان دولت و ملت افتاد و روند توسعه کشور را مختل کرد؟ (روزنامه اعتماد، چهارشنبه ۳۰ تیر۹۶).

دلارهای نفتی علاوه بر فساد، سبب افزایش مصرف‌گرایی، واردات انواع کالاهای خارجی و بیادیش سبب خالصی از زندگی در بین صاحبان و برکشیدگان‌شان شده‌اند. پیامد طبیعی و بسیار مخرب این وضعیت، واکنش‌های بخش‌هایی از مردم در برابر آن است؛ مردمی که با تلاش و مشقّت شبانه‌روزی در صدد کسب لقمه‌ای حلال هستند، به‌راستی اگر میلیون‌ها جوان بی‌کار و تحصیل‌کرده و توانمند این کشور ببینند که چند جوان معمولی، اما نورچشمی و نظرکرده، صاحب آلف و الوف شده و زندگی‌های رؤیایی برای خود درست کرده‌اند، واکنش آنان چه خواهد بود؟ اگر طبقه نوکیسه یا تن‌آسایی که ثروت خود را، نه از راه مشروع، بلکه با دلارهای نفتی و رانت‌داری دولتی به دست آورده‌اند، توانایی تأثیرگذاری بر جهت‌گیری‌های آینده را داشته باشند، چه امیدی به آینده باقی می‌ماند؟ اگر افراد این طبقه غیرمولد، رانت‌خوار، مصرف‌گرا، پنهان‌کار و غریب‌باخ‌گو بتوانند با دلالی، واسطه‌گری و سفته‌بازی، درآمدهای نجومی کسب کنند و با رفتارهای نمایشی و به‌رخ‌کشیدن ثروت، منزل و ماشین لوکس خود به طبقات متوسط و فقیر، حرص آنان را درآورند، آیا می‌توان از فروپاشی اجتماعی جلوگیری کرد؟ آیا اگر مردم به این نتیجه برسند که با پول می‌توان مدارک آموزش‌وپروورش، آموزش عالی، بهداشت و درمان و دیگر دستگاه‌های عرض‌فطولی این مملکت را خرید، انگیزه‌ای برای تلاش و فعالیت آموزشی خواهند داشت؟ آیا اگر جامعه این نتیجه را بگیرد که فقط با داشتن پول می‌توان سالم، مرفه، آبرومند و برخوردار از همه‌چیز بود، جایی برای شکوفایی ارزش‌های معنوی و اخلاقی باقی می‌ماند؟ آیا اگر در نتیجه حاکمیت دلارهای نفتی، کشور گرفتار شکاف طبقاتی شود؛ در یک سو اقلیتی مرفه و

می‌داند. او معتقد است شایعات و رقابت کارمندان زن ازآزادهنده‌ترین و تلخ‌ترین مسئله‌ای بوده که او در مسیر پیشرفت و بهبود در تخصص دیپلماتیک تجربه کرده است.

اختصاص سهمیه به زنان مکانیسمی بی‌فایده است

بنا بر نظر بسیاری از کارشناسان، اختصاص سهمیه برای زنان در حوزه دیپلماتیک می‌تواند راه‌حل مناسبی برای افزایش تعداد زنان دراین‌زمینه باشد اما ممکن است جایگاه آنها را در بلندمدت تضعیف کند. هانتر معتقد است که اختصاص سهمیه به زنان در توانمندسازی و ارتقای مشارکت آنها در وزارت خارجه نه ضروری و نه مؤثر است. او اختصاص سهمیه به زنان را یک مکانیسم بی‌فایده می‌داند چراکه معتقد گفته زنان اقلیت نیستند بلکه نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین نیازی به اختصاص سهمیه برای حمایت از موقعیت آنها نیست. برخی معتقدند ورود زنان با نگرش زنانه به ساختار تصمیم‌گیری منجر به تغییر رویکردها در سیاست خارجی می‌شود اما دیگر متخصصان با اشاره به نمونه‌هایی مانند مارجارت تاچر (نخست‌وزیر بریتانیا در سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۹۰ و رهبر حزب محافظه‌کار) و کاندولیزا رایس (وزیر خارجه دولت جمهوری‌خواه بوش در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۹) این دیدگاه را رد می‌کنند. هانتر نیز درباره دیدگاه زنان درباره مسائل بین‌المللی مانند حل مخاصصات، مذاکرات و مسائل حقوق‌بشری معتقد است که زنان و مردان اهداف مشترکی دارند و در مسائل تکنیکی در موضوعات سیاست خارجی مشابه عمل می‌کنند و تفاوتی در رویکرد دیپلماتیک آنان وجود ندارد. گرچه تعداد زنان دیپلمات ارشد در وزارت خارجه کم‌اکن محدود است ولی دولت کنونی قدم‌های مهمی برای ارتقای جایگاه زنان در این وزارتخانه برداشته است که می‌تواند سنگ بنایی برای دولت‌های آتی در ادامه این مسیر باشد؛ «فروزنده ودیعتی»، راینز دوم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل یکی از این زنان است.

برخوردار و در سوی دیگر اکثریتی فقیر و درمانده و گرفتار بیماری‌ها و آسیب‌های اجتماعی به وجود آید، می‌توان با اقتدار، روردروی دشمنان قرار گرفت؟ آیا اگر مردم در نتیجه افشاکری‌ها احساس کنند که مسئولان کشور (از هر گروه و جناحی) بی‌توجه به دردهای آنان، با استفاده از پول نفت، ماهانه میلیون‌ها تومان حقوق و پاداش به حساب خود و نزدیکانشان می‌ریزند، دل و دماغی برای تولید و ساختن کشور در آنان باقی می‌ماند؟ آیا اگر مردم به این نتیجه برسند که در کشور اسلامی ما می‌توان قانون، اخلاق و انسانیت را با پول خریدوفروش کرد، نسبت به آینده سرخورده، بی‌اعتد، و مایوس نمی‌شوند؟ حرف اصلی این یادداشت، همین‌جاست: نقطه‌ای که اگر خدای نخواست‌ه مردم ما به آن برسند، خطر دلارهای نفتی در سطوح داخلی و خارجی سبب تقویت هر دو سطح خواهد شد. بر همگان مبرهن است که رشد قراردادهای تسلیحاتی غرب و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و افزایش فعالیت جریان‌های تکفیری و افراطی فقط با کوبیدن بر طبل ایران‌هراسی میسر است؛ زیرا اسرائیل که روزگاری دشمن سنتی اعراب بود، امروزه به دوست آنان تبدیل شده است؛ تاجایی‌که در چند روز اخیر، یک مقام نظامی عربستان از بیت‌المقدس دیدار کرده و با اسرائیلی‌ها عکس یادگاری گرفته است. اسرائیلی‌ها هم که در گذشته با فروش اسلحه به اعراب مخالف بودند، الان کمترین مخالفتی نمی‌کنند و حتی خود هم با منتفع‌شدن از دلارهای نفتی در این جریان سهم شده‌اند؛ بنابراین دلارهای نفتی تنهاوتنها برای مقابله با ایران، این‌گونه بی‌محابا خرج می‌شوند. برخیزانته‌ها قدرت ناشی کشور، مشروعیت ملی، استحکام پایه‌های نظام و انعقاد برجام تاکنون مانع تحقق آرزوهای دشمنان ایران شده و خطر دلارهای نفتی در سطح خارجی نتوانسته است کشور ما را تهدید کند؛ اما ترس اصلی نگارنده، سطح داخلی خطر دلارهای نفتی است؛ هرچند همیشه دامخ این خطر نیروهای نفوذی در داخل کشور با دلارهای نفتی دشمن وجود داشته و دارد؛ ولی منظور من دشمن خطرناک‌تری از دشمن خارجی است که نام آن، فساد ناشی از سلطه دلارهای نفتی است که بخشی از آن ذکر شد. فقط گسترش فساد سازمان‌یافته در سطوح مختلف سیاسی و اجتماعی و امید مردم از پایان‌دادن به آن می‌تواند نظام قدرتمند اسلامی ایران را ضعیف و در برابر خطر دلارهای نفتی دشمنان خارجی آسیب‌پذیر کند. انقلاب ما پیش از هرچیز یک انقلاب اخلاقی بود و فقط با فروپاشی پایه‌های اخلاقی آسیب‌پذیر خواهد شد. در این شرایط حساس، امنیت بایداز کشور و منافع ملی اما ایجاد می‌کند بررسی پیامدهای ناشی از خطر دلارهای نفتی در هر دو سطح داخلی و خارجی در صدر فهرست پژوهش‌های نهادهای رسمی کشور، ازجمله شورای‌عالی امنیت ملی، مرکز تحقیقات استراتژیک و دیگر ارگان‌های ذی‌ربط قرار گیرد. باشد که با یک همت جمعی، خطر جدی آنها برای دولت و ملت ایران دفع شود.

دیپلماسی

۲ سفیر زن دیگر در راه وزارت خارجه

روزنه

نگاه امیرعبداللهیان

به روابط ایران و عربستان

تلاش کردیم خویشتن‌دار باشیم

● حسین امیرعبداللهیان مشاور رئیس مجلس در امور بین‌الملل یکشنبه‌شب در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری حاضر شد و با اشاره به سفر استفان دی‌مستورا به تهران گفت: در هفته‌های اخیر میان آمریکا و روسیه درباره سرعت‌بخشیدن به راهکار سیاسی در سوریه گفت‌وگوهایی انجام شده است. آمریکایی‌ها احساس می‌کنند آنچه را در میدان به دست نیاورده‌اند، با اعمال فشار از طریق روش‌های نظامی و امنیتی و از طریق میز مذاکره می‌توانند به‌دست آورند.

امیرعبداللهیان گفت: آمریکایی‌ها تلاش می‌کنند روس‌ها را متقاعد کنند تا به طریقی در پایان دوره ۱۸ ماه روند سیاسی که اکنون هفت ماه از آن دوره را پشت سر گذاشتیم، با آنها همراهی کنند و آقای بشار اسد با راهکارهای سیاسی حذف شود.

او با بیان اینکه روس‌ها تاکنون راهبرشان را درباره سوریه تغییر نداده‌اند، گفت: آنها در عرصه میدانی و سیاسی در مبارزه با داعش و جبهه النصره همانند قبل اهتمام دارند اما فشار آمریکایی‌ها بر آنها بسیار بالاست. نکته مهم این است که کسی از بیرون نمی‌تواند درباره سوریه تصمیم بگیرد و همه کشورها باید کمک کنند تا بستری فراهم شود مردم سوریه بتوانند بهترین تصمیم را درباره آینده کشورشان اتخاذ کنند.

امیرعبداللهیان افزود: گفت‌وگوهایی با عنوان گروه بین‌المللی حمایت از سوریه تاکنون انجام شده است و به ظاهر در پی این هستند که نظر جمهوری اسلامی ایران را به‌دست آورند.

معاون سابق عربی و آفریقایی وزیر خارجه با اشاره به اینکه مسائل منطقه‌ای به هم پیوسته هستند، افزود: در انثای بحران سوریه در زمانی که محور آمریکا و رژیم صهیونیستی تصور می‌کردند سوریه در بدترین وضعیت و لبنان در خلأ ریاست‌جمهوری و بحران امنیتی قرار دارد، به غزه حمله و جنگ ۵۱ روزه را برپا کردند زیرا تصور می‌کردن رژیم صهیونیستی پیروز می‌شود. او افزود: متأسفانه عربستان سعودی در این موضوعات نقش بسیار فعالی را به عنوان کارگزار آمریکا در این سال‌ها ایفا کرد. در دوره پادشاهی ملک عبدالله این اقدامات با کمی شرم و حیا انجام می‌شد اما حاکمان جدید در عربستان با رفتارهای خود از جمله جنگ علیه یمن، حادثه منا، اشغال نظامی بحرین و دخالت در سوریه و عراق نشان دادند که بسیاری از پرده‌ها را کنار زده‌اند که آخرین آن در علنی‌کردن بخشی از ارتباطات حکومت عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی بود. اگر قرار بود محور مقاومت بر پایه عربستان استوار باشد، اکنون چیزی از آن باقی نمانده بود.

امیرعبداللهیان درباره رابطه رسمی ریاض و تهران گفت: در این‌باره انتقادهایی به ما وارد شده است اما تلاش کردیم خویشتن‌دار باشیم و مدیریت کنیم اما حقیقت این است که بحران جدی در درون خاندان حاکمیت سعودی وجود دارد.

دستیار ویژه رئیس مجلس شورای اسلامی در امور بین‌المللی با بیان اینکه حمله نظامی عربستان به یمن خطای راهبردی عربستان است، افزود: اعدام شیخ نمر برنامه کاملاً طرح‌حی شده از سعود عربستان سعودی و از روی عمد بود. این کشور سطحی از واکنش‌ها را پیش‌بینی می‌کرد و حتی خودش در بخشی از آن اتفاقات مدیریت پنهان داشت بنابراین اتفاق نادرستی که درباره سفارت عربستان رخ داد، مطلوب سعودی‌ها در آن مقطع بود و آنها تلاش کردند بر موج ناشی از آن سوار شوند.

وی با بیان اینکه اکنون آنها با رفتارهای خود از جمله نشست با منافقین، علیه منافع ملی کشورمان در ماه‌های اخیر اقدام کردند، با اشاره کرد: بخشی از علت این رفتارهای آنها این است که با تصویرسازی از یک دشمن فرضی، بحران داخل خاندان حاکمیت را پوشش دهند.امیرعبداللهیان درباره دیدار اخیر ابومازن رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین با سرکرده گروهک تروریستی منافقین هم گفت: ابومازن برخی اوقات درخواست سفر به کشورمان داشت اما گلایهایی از برخی اقدامات و سخنان وی داشتیم و آنها را به او منتقل کردیم و گفتیم افکار عمومی مردم کشورمان اقدامات وی را نمی‌پذیرد.وی افزود: عربستان، عربستان ۱۰ سال پیش نیست و با بحران‌های درونی و ناآرامدی‌های زیادی مواجه است و صرفاً قدرت تخریبی در منطقه دارد و نه قدرت احیا و سازندگی.او درباره تحولات یمن نیز گفت: سعودی‌ها پس از گذشت بیش از ۱۶ ماه از تجاوز نظامی‌شان به یمن چاره‌ای جز تن‌دادن به راهکار سیاسی ندارند.